



تبیین راهبرد ایران هراسی از جانب امریکا جهت مشروعیت‌سازی منطقه‌ای رژیم صهیونیستی

دکتر ابراهیم معراجی^۱

^۱. گروه روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی ebrahim.meraji@gmail.com

چکیده

راهبرد ایران هراسی سالهاست توسط امریکا دنبال شده است و برای آن اهداف متعددی چون به حاشیه راندن ایران، ایجاد اختلال در تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی آن، و همچنین توجیهی جهت ایجاد ائتلاف برای اعمال فشار حداکثری علیه ایران بیان گردیده است. نظریه موازنه تهدید که به واکنش دسته جمعی در مقابل تهدید دشمن مشترک اشاره دارد در بررسی این پژوهش در نظر گرفته شده است. این مقاله به شیوه توصیفی - تحلیلی بطور ویژه بدنبال بیان هدف امریکا از اعمال این استراتژی در راستای تامین منافع متحد استراتژیک منطقه‌ای، خود یعنی اسرائیل می‌باشد و بدنبال پاسخ به این سوال است که سیاست ایران هراسی آمریکا چه تاثیری بر مشروعیت بخشی منطقه ای اسرائیل دارد؟ در پاسخ آورده‌ایم که امریکا با بزرگ نمایی تهدید ایران برای کشورهای منطقه و یکسان دانستن این تهدید برای همه بازیگران منطقه‌ای، ضمن ایجاد ائتلاف همه جانبه منطقه‌ای علیه ایران، این تهدید مشترک را مبنایی برای نزدیکی، حضور و مشروعیت منطقه‌ای رژیم صهیونیستی قرار داده است.

• واژگان کلیدی

ایران هراسی، امریکا، رژیم صهیونیستی، مشروعیت منطقه‌ای، موازنه تهدید.

استراتژی ایران هراسی غرب به منظور معرفی تهدید ایران برای منطقه و جهان شکل گرفته، تهدید که صلح و امنیت را به چالش می کشد و در پی همسوسازی رویکردهای ضد ایرانی و شکل دهی به رفتار بازیگران نظام بین الملل در این راستا می باشد که در نهایت موجب تخریب و تضعیف و به حاشیه راندن ایران گردد. این پدیده علاوه بر کشورهای غربی، در سطح منطقه‌ای نیز گسترش یافته است. بر این اساس، نظریه موازنه تهدید که توسط والت مطرح شده به این اصل می پردازد که وجود تهدید مشترک میان بازیگران منطقه ای عاملی برای نزدیکی و اتحاد آنها خواهد بود.

در این چارچوب چنین القا می شود که در صورت قدرت یابی ایران، کشورهای منطقه مجبور خواهند بود هزینه هایی کلان را تقبل و با خطراتی جدی مواجه شوند. (زاده علی و میر حسینی، ۱۳۹۶: ۱۵۳)

با پذیرش این رویکرد می بایست به حسن نیت جمهوری اسلامی در تمامی فعالیت های منطقه ای اش، با دیده شک و تردید نگریست. این سیاست سال هاست که از جانب کشورهای غربی از جمله امریکا پیگیری گردیده است و امروزه با راهبرد (فشار حداکثری)^۱ از جانب آمریکا علیه ایران، نمود بارز تری به خود گرفته است. این پژوهش تلاشی است در جهت بیان دلایل و اهداف این راهبرد از جانب امریکا در منطقه و تحلیل پیگیری این اهداف در راستای منافع متحد مهم و استراتژیک آن یعنی اسرائیل و ذکر نتایج مورد انتظار در این زمینه. لذا، پژوهش حاضر با تمرکز بر استراتژی ایران هراسی آمریکا می کوشد به این پرسش پاسخ دهد که اصولاً هدف این راهبرد در راستای منافع منطقه اسرائیل چگونه تعریف می گردد و بر اساس پرسش فوق، این فرضیه را به آزمون می گذارد که امریکا با بزرگ نمایی تهدید ایران برای کشورهای منطقه و یکسان دانستن این تهدید برای امنیت همه بازیگران منطقه‌ای، ضمن ایجاد ائتلاف همه جانبه منطقه‌ای علیه جمهوری اسلامی، این تهدید مشترک را مبنایی جهت نزدیکی، حضور و مشروعیت منطقه اسرائیل بین کشورهای منطقه، بالاخص کشورهای عرب گرداند. به این منظور ابتدا استراتژی ایران هراسی را بعنوان مبانی نظری بحث آورده ایم و سپس سعی داریم در بخش مستقل، به راهبرد ایران هراسی آمریکا بپردازیم، و سپس روابط میان کشورهای

^۱. Maximum Pressure

منطقه با اسرائیل و تعریف ایران بعنوان تهدید مشترک ذکر خواهد شد، و در نهایت اقدامات امریکا جهت نزدیک سازی اعراب و اسرائیل پیرامون تهدید ایران مطرح می گردد.

۱- مبانی نظری

عدم تحقق نظریه موازنه قوا علیه امریکا بعد از جنگ سرد، یکی از مهمترین نظریه پردازان نئورئالیسم را که بعد ها به نئورئالیسم واقع گرا شناخته شد، به نام استفن والت را بسوی تغییر نقطه تمرکز واقع گرایی از موازنه قدرت به «موازنه تهدید» سوق داد. وی معتقد است که غیر عادی بودن عدم موازنه قدرت دولت ها در برابر آمریکا، زمانی که تمرکز را نه بر قدرت بلکه به تهدید بگذاریم از بین می رود. از اینرو به اعتقاد او دولت ها در مقابل افزایش قدرت دیگران دست به موازنه نمی زنند. در مقابل، چیزی که باعث می شود دولت ها به توازن روی آورند میزان تهدیدی است که درک می کنند. از منظر والت، دولت ها در برابر درک تهدید دو نوع سیاست در پیش می گیرند، ابتدا آنکه کشور یا کشورهایی که مورد تهدید قرار گرفته اند بلحاظ وجود تهدید و بر مبنای اصل توازن تهدید به توازن دست می زنند و یا کشورهای مورد تهدید سیاست همراهی را در پیش می گیرند، به این معنا که به منظور حفظ بقا و امنیت خود با طرف تهدید کننده متحد می شوند. در رابطه با حالت نخست، والت معتقد است در شکل گیری یا عدم شکل گیری موازنه در برابر قدرت یا قدرت های برتر، علاوه بر متغیر توانایی (قدرت)، سه متغیر دیگر هم تاثیر گذار هستند. وی استدلال می کند ائتلاف های توازن دهنده در برابر تهدید شکل می گیرند. تهدیداتی که می توانند از توانایی مجاورت، قابلیت های تهاجمی و نیت تهاجمی نشأت بگیرند. موارد گفته شده بمثابه متغیرهای مستقلی در نظر گرفته می شوند که تغییر در هر یک از آنها، دیگر دولت ها را به احتمال بسیار به احساس تهدید و اتخاذ اقدامات موازنه ای می کشاند. (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۱)

«استفن والت» بعنوان یکی از مهمترین رئالیست های تدافعی نئوکلاسیک، با بازنگری در نظریه موازنه قوا، نظریه «موازنه تهدید^۱» را مطرح کرد. برخی از مهمترین مفروضات این نظریه عبارت اند از:

- دولت ها در مقابل دولت هایی متحد می شوند که منشأ بیشترین تهدیداند؛ بنابراین، دولت یا دولت های تهدید کننده لزوماً جزء قویترین دولت ها نیستند.

^۱. Threat of Balance

- تهدید صرفاً به میزان قدرت دولت‌ها بستگی ندارد؛ بلکه تصویری که دولت‌ها در روابط خود از تهدید دارند مدنظر است.
- هر اندازه تهدیدات خارجی شدیدتر باشد، به همان اندازه انگیزه اتحاد بیشتر می‌شود و نظام بلحاظ کارکردی از انسجام بیشتری برخوردار خواهد شد.
- والت «تهدید» را افزون بر قدرت، ترکیبی از سایر عوامل نظیر تواناییهای تهاجمی، قدرت نظامی، نزدیکی جغرافیایی و مقاصد تجاوزکارانه احتمالی می‌داند.

یکی از شرایط افزایش امنیت در نظام موازنه تهدید آن است که موازنه بوجود آمده به هنجارها تبدیل شود. به عقیده والت، نظریه موازنه تهدید جایگزین موازنه قوا نیست، بلکه با هدف افزایش قدرت تبیینی آن مطرح است. هرگاه دولت‌ها احساس کنند موجودیت یا منافع آنها را سایر دولت‌ها با تهدید فوری روبرو می‌کنند، با اتحاد با یکدیگر، به موازنه در برابر آنها می‌پردازند. (Walt, 1987: 1-12)

استفاده از رویکرد امنیتی «موازنه تهدید» توسط دولتهای خاورمیانه با نظریه اتحاد میان امریکا - اسرائیل سازگاری بیشتری دارد که تحت پارادایم نظریه نئورئالیسم قرار می‌گیرد. نظام امنیتی اتحاد مبتنی بر «موازنه تهدید» را در میان دولتهای خاورمیانه می‌توان با ویژگیهای زیر ترسیم کرد:

- رابطه همکاری جویانه رسمی یا غیر رسمی میان دولت‌های خاورمیانه؛
- منافع مشترک متحدین در زمینه امنیت منطقه ای، حداقل در ارتباط با یک تهدید متصور؛
- وجود قرارداد و اتحاد استراتژیک؛
- تجمیع کلیه قابلیت‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی؛
- واکنش دسته جمعی در مقابل تهدید دشمن مشترک؛
- وابستگی متقابل امنیتی میان بازیگران متحد خاورمیانه. (Jafari, 2013: 20).

۲- راهبرد ایران هراسی^۱ آمریکا

در طول تاریخ، بسیاری به فرهنگ و تاریخ ایران علاقه نشان داده و بسیاری هم ابزار تنفر کرده‌اند. بازتاب این امر تا بدانجا است که در آثار گذشتگان نیز برداشت یکسان درباره ایران نمی‌توان یافت. این تمایز برداشت از مفهوم، فرهنگ و سیاست ایرانی ریشه انشعابی از تصویر

^۱. Iranophobia

پردازای ایران است که می‌کوشد ایران را در پیوند با ضد ارزش‌های جامعه جهانی قرار دهد. این فرایند، موضوعی است که تلاش دارد با مفهوم ایران هراسی معرفی گردد. (سجادپور، ۱۳۹۵: ۹)

به عقیده چرمس^۱، ایران هراسی به معنای ایجاد ترس مفرط و غیر عقلانی از ایران، به ویژه با بزرگ‌نمایی تهدید ایران هسته‌ای کاربرد دارد. (Chemus, 2010: 27)

از طرفی، ایران هراسی بعنوان یک سیاست، طی سالیان متمادی برای اهداف مختلف از جانب امریکا بکار گرفته شده است. در این راهبرد منفی، معرفی کردن این کشور با عناوین مختلف مانند: «یک کشور بی‌فرهنگ، محور شرارت، بزرگترین حامی تروریسم در جهان، کشوری که نفرت را در دنیا اشاعه می‌دهد، بزرگترین تهدید برای همسایگان، تهدیدی برای صلح جهانی، اتهام به ایران برای طراحی توطئه به منظور نسل‌کشی یهودیان در آینده» و موارد مشابه تلاش می‌شود تا هم ذهنیت‌ها را در رابطه با این کشور و اهداف آن شکل دهد، و هم محدودیت‌های رفتاری را در کنش‌های بین‌المللی این کشور ایجاد نماید. (دارا و بابایی، ۱۳۹۵: ۱۹۴)

روابط دو کشور از زمان انتخاب دولت ترامپ تاکنون (۲۰۲۰) باثبات‌ترین روابط خصومت‌آمیز بوده است. خروج امریکا از توافق هسته‌ای، تجدید اعمال تحریم‌ها، ادعای حمایت از تروریسم توسط جمهوری اسلامی، مخالفت با برنامه موشکی ایران، قرار دادن سپاه ایران در فهرست گروه‌های تروریستی، قرار دادن نام برخی مقامات ارشد جمهوری اسلامی در فهرست تحریم، و همچنین ترور سردار شهید سلیمانی فرمانده سپاه قدس ایران در بغداد، نمونه‌هایی از اقدامات دولت آمریکا علیه جمهوری اسلامی می‌باشد. از آنجا که منطقه خاورمیانه همچنان از اولویت‌های استراتژیک در سیاست خارجی امریکا می‌باشد، اصل اساسی راهبرد دولت‌های آمریکا پس از انقلاب اسلامی ایران، تمرکز بر ایران بعنوان تهدید اساسی منطقه‌ای است. پیرو این اصل، سیاست‌های گوناگونی از جمله ایران هراسی، از جانب امریکا در پیش گرفته شده است. انتظاراتی که امریکا از اعمال سیاست ایران هراسی دارد، دارای وجوه مختلفی است. از جنبه اقتصادی با بزرگ‌نمایی تهدید ایران، امریکا توانسته طی سالیان متمادی مقادیر قابل توجهی از تسلیحات نظامی خود را به کشورهای منطقه بفروشد.

برای نمونه ترامپ، مجوز فروش میلیاردی دلار سلاح به عربستان سعودی و امارات متحده را صادر کرد. دلیل انجام این اقدام را وضعیت اضطراری ناشی از وجود تنش‌ها با ایران و یا به عبارتی آنچه «تهدید ایران» نامید، اعلام نمود. پیرامون افزایش تنش‌ها در قبال ایران، ترامپ

^۱. Ira Chemus

همچنین دستور اعزام هزار و پانصد نظامی ارتش این کشور را به خاورمیانه داد. ترامپ همچنین، مصوبه کنگره آمریکا در خصوص قطع فروش سلاح و حمایت های نظامی از عربستان و امارات و بطور کلی ائتلاف عربی در جنگ یمن به رهبری دولت سعودی را وتو کرد. پمپئو در اظهاراتی در رابطه با ضرورت معاملات تسلیحاتی با کشورهای منطقه گفت: «فروش تسلیحات به این دلیل است تا عاملی بازدارنده در برابر ستیزه جویی ایران باشد و ظرفیت های دفاع از خود را برای شرکای ما ایجاد کند. این فروش ها از متحدان ما حمایت کرده، ثبات را در منطقه تقویت نموده و به این دولت ها کمک می کند که ضمن دفاع از خودشان در برابر جمهوری اسلامی ایران، آن را عقب برانند». (مشرق نیوز، ۱۳۹۸)

از منظر حضور و نفوذ منطقه ای نیز سیاست ایران هراسی منجر به افزایش نیروهای آمریکایی در منطقه گشته و آنرا توجیهی جهت مقابله با تهدیدات ناشی از ایران در منطقه می داند. «در این زمینه، آمریکا نه بدنبال همکاری بلکه بدنبال کنترل انحصاری منطقه است. در همین ارتباط، آمریکا با ادامه روابط تنش آلود با ایران براحتی می تواند حضور در منطقه را برای دولت های همسایه ایران توجیه کند. برتری آمریکا در خلیج فارس و خاورمیانه نقش قاطعی در برتری جهانی آمریکا بازی می کند» (دولفقاری، ۱۳۸۴: ۱۲). سیاست آمریکا در خاورمیانه در طول چندین دهه چهار هدف اساسی را دنبال کرده است که عبارتند از: محافظت از خاورمیانه در برابر قدرتهای رقیب که بیشتر در دوره جنگ سرد و رقابت با شوروی سابق دنبال می شد و هدف از آن پیشگیری از نفوذ شوروی در خاورمیانه از طریق انعقاد پیمانهای دوجانبه و چندجانبه بود؛ اشراف مستقیم و تسلط بر منابع انرژی منطقه و تضمین جریان مداوم و امن آن به غرب؛ جنگ علیه تروریسم که در این راستا آمریکاییها فشار زیادی را بر کشورهای منطقه وارد آوردند تا در تحقق جنبه های مختلف این هدف، با واشنگتن همکاری کنند، و در نهایت تضمین امنیت اسرائیل که همواره از اهداف و اولویتهای اساسی واشنگتن در منطقه بوده و در این راستا از طریق ارائه کمکهای مختلف، درصدد تأمین تفوق نظامی-اقتصادی این رژیم در منطقه خاورمیانه برآمده است. از نظر آمریکا، حضور آمریکا و حمایت آن از اسرائیل در منطقه یک واقعیت است و همانطور که برژینسکی تأکید می کند «لازم است همه کشورهای منطقه خلیج فارس این واقعیت مهم استراتژیک را درک کنند که آمریکا در خلیج فارس ماندگار است و استقلال و امنیت در منطقه جزو منافع حیاتی آمریکا بشمار می رود». (رنجبر، ۱۳۷۸: ۱۷۴) در طول سالیان پس از انقلاب اسلامی، راهبرد ایران هراسی شامل محورهایی بوده که از جانب آمریکا پیگیری شده است.

۳- محورهای ایران هراسی

می‌توان عوامل متعددی را برای ظهور پدیده ایران‌هراسی و پیگیری این راهبرد از جانب امریکا بر شمرده، که این سیاست حول محورهای آن شکل گرفته است.

برنامه هسته‌ای ایران: پیش از توافق هسته‌ای نگرانی جامعه جهانی از برنامه هسته‌ای ایران، حول محور نیت تصمیم‌گیران ایران بود و اینطور برآورد می‌شد که ایران هسته‌ای در صورت رفتن به سمت ساخت تسلیحات هسته‌ای، می‌تواند با تغییر موازنه قدرت در منطقه، امنیت منطقه ای و بین‌المللی را مورد تهدید قرار دهد. لذا، اجماعی در سطوح مختلف پیرامون این موضوع پدیدار گشت که می‌توان از وضع تحریم‌های شورای امنیت، اتحادیه اروپا، و تحریم‌های یکجانبه امریکا نام برد. (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۴: ۲۴) پس از خروج آمریکا از توافق هسته‌ای، امریکا با بیان ادامه دار بودن تهدید ناشی از برنامه هسته‌ای ایران، و ناکافی بودن این توافق جهت برطرف کردن نگرانی‌ها، سیاست فشار حداکثری را علیه ایران در پیش گرفت. با توجه به پایبند بودن جمهوری اسلامی به این توافق، ایجاد اجماع پیرامون اعمال مجدد تحریم‌ها مشکل به نظر می‌رسید. لذا، امریکا با بیان سیاست‌های مخرب ایران در منطقه، و وجود نیت غیر صلح‌آمیز رهبران آن، و همچنین خطرات ناشی از توسعه برنامه موشکی، خواهان همراهی دیگر بازیگران عرصه بین‌الملل و منطقه علیه ایران گشت. (Borger, 2017)

سیاست امریکا جهت کاهش قدرت هسته‌ای ایران، در بسیاری از مقالات موسسه مطالعات واشنگتن برای خاورمیانه^۱ مشاهده می‌شود. رابرت ساتلوف^۲ مدیر اجرایی موسسه واشنگتن برای مطالعات خاورمیانه، بر این اعتقاد است که «باید از بی‌حوصلگی بین‌المللی به تهدیدات هسته‌ای ایران ترسید. جمهوری اسلامی ایران تلاش دارد تا ایدئولوژی خود را با قابلیت‌های نظامی و راهبردی پیوند دهد. بنابراین، نمی‌توان انتظار داشت که ایران در شرایط عادی به نقش منطقه‌ای خود اکتفا نماید. پس باید تهدید ایران برجسته شود. برخی از کشورها دچار بی‌حوصلگی شده‌اند. آنان احساس می‌کنند که ایران دیر یا زود به سلاح هسته‌ای دست می‌یابد. بنابراین، مقابله با ایران را بی‌اثر و بی‌نتیجه می‌دانند. (پوستین چپی و متقی، ۱۳۹۳: ۱۷۳-۱۷۴) اگر موضوع فعالیت هسته‌ای ایران پیگیری شود، دولت ایران در موضوعات منطقه‌ای همانند تحولات خاورمیانه و دگرگونی سیاسی در سوریه، بی‌انگیزه می‌شود. افکار عمومی

^۱ The Washington Institute for Near East Policy

^۲ Robert Satloff

بین المللی باید نسبت به تهدید ایران واقف باشد. تغییر سیاسی در سوریه بدون مشروعیت زدایی از ساختار سیاسی ایران امکان پذیر نیست. اگر ایران اعتبار سیاسی و امنیتی خود را از دست بدهد، سوریه دوام سیاسی چندانی نخواهد یافت. باید قابلیت هسته ای ایران مورد توجه زمامداران آمریکا، نهادهای بین المللی و رسانه های تاثیر گذار بر افکار عمومی جهان قرار گیرد.» (پوستین چی و متقی، ۱۳۹۳: ۱۷۵) این تحلیل، آشکارا خطر برنامه هسته ای ایران را به افزایش نقش منطقه ای آن پیوند می دهد و ضمن توصیه جهت حساس بودن جامعه جهانی به پیگیری برنامه هسته ای از جانب ایران، معتقد است در صورت رفع این تهدید می توان انتظار داشت جنبه های دیگر نقش آفرینی ایران در منطقه نیز محدود شود.

حمایت از تروریسم: گزارش سالانه وزارت خارجه آمریکا پیرامون تروریسم، بوضوح حاکی از پیگیری راهبرد ایران هراسی در این زمینه می باشد. این گزارش بیان می دارد: جمهوری اسلامی حامی اصلی تروریسم در جهان است و توافق هسته ای بطور رسمی منابع بیشتر مالی در اختیار ایران قرار داده و موجب افزایش فعالیت های بدخواهانه و شرورانه آنرا فراهم آورده است. این گزارش با توجه به خروج آمریکا از توافق هسته ای، مدعی است که این اقدام در راستای مهار توانایی ایران در تامین مالی تروریسم، و جلوگیری از شکل گیری یک مسابقه تسلیحاتی در خاورمیانه می باشد که منطقه و جهان را بی ثبات می سازد. (U.S. Department of Stat, 2019)

برجسته کردن نام ایران پیرامون حمایت از تروریسم منحصر به گزارش سال ۲۰۱۹ نمی باشد. در گزارش سال قبل از آن نام ایران یا عبارات مرتبط با آن ده ها بار تکرار شده است. این گزارش و اظهارات مقامات رسمی آمریکا مبنی بر اقدامات منطقه ای ایران در سوریه، لبنان و عراق، آشکارا ایران را خطر جدی در گسترش افراط گرایی و تروریسم قلمداد می کند. بخش هایی از این گزارش به قرار زیر است:

- ایران اجازه داده است که عوامل القاعده در ایران پناه بگیرند.
- تهران همچنان اجازه داده یک شبکه تسهیل کارهای القاعده داخل ایران فعالیت کند و پیکار جو و پول به مناطق دیگر در افغانستان و سوریه بفرستد.
- ایران در سال ۲۰۱۸ به حمایت از گروه های تروریستی شیعه عراقی نظیر کتائب حزب الله^۱ ادامه داده است.

^۱. Kata'ib Hezbollah

- ایران به کمک های مالی به حزب الله لبنان و آموزش هزاران نفر از نیروهای آن در داخل ایران ادامه داده است.
- در سال ۲۰۱۸ ایران از حماس و دیگر گروه های فلسطینی نظیر جهاد اسلامی که در فهرست سازمان های تروریستی آمریکا هستند حمایت کرده است.
- هماهنگ کننده ضد تروریسم وزارت خارجه آمریکا می افزاید: تهدید ایران به خاورمیانه محدود نمی شود، بلکه به واقع تهدیدی جهانی است. (U.S. Department of Stat, 2018: 211-214)

توسعه برنامه موشکی: ایران همواره از توسعه برنامه موشکی خود تحت عنوان دفاع از خود یاد کرده است. این درحالی است که برنامه موشکی ایران امروزه از جمله مواردی است که در راستای سیاست ایران هراسی مورد توجه امریکا می باشد و آنرا تهدیدی جدی جهت صلح و ثبات منطقه ای و جهانی قلمداد می کند. نائورت، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا تاکید کرده «چیزی که ما و متحدان مان می دانیم این است که برنامه موشکی بالستیک ایران، تهدیدی برای آمریکا و همچنین دیگر متحدان مان در منطقه، از جمله متحدان عربی مان است». از طرف دیگر، پمپئو، با محکوم کردن آزمایش های موشکی ایران، این اقدام را ناقض قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت دانست. (Euronews, 2018)

در سند بازبینی دفاع موشکی آمریکا در ۲۰۱۹، ایران به شکل بارز و پررنگی مورد توجه قرار گرفته و از قدرت موشکی آن بعنوان «تهدید» نام برده شده است. در این سند اشاره شده که ایران، در حال گسترش توان موشکی قاره پیمای خود است. این واقعیت می تواند منافع آمریکا را به خطر اندازد. به استناد این سند، زرادخانه موشکی یکی از ابزارهای تسلط و نفوذ ایران در منطقه خاورمیانه محسوب می شود و تهران در حال افزایش قدرت، برد، تعداد، و قدرت تخریب موشک های خود است. این سند ایران را بزرگترین کشور دارای موشک های بالستیک در خاورمیانه معرفی کند، و از برنامه های فضایی و ساخت موشک های حامل ماهواره، بعنوان بخشی از برنامه موشکی آن یاد شده است. همچنین، در این سند موشک های میان برد ایران، تهدیدی برای شرق و بخش هایی از جنوب اروپا خوانده شده است. علاوه بر این، از موشک های کوتاه برد ایران بعنوان تهدیدی برای کشتیرانی آزاد در خلیج فارس و تنگه هرمز یاد می شود. لذا، در سند دفاع موشکی ۲۰۱۹ آمریکا، یکی از اهداف مهم آمریکا مقابله با تهدیدات ناشی از توانایی موشکی ایران در حمایت از همپیمانانش بیان شده است. (ندیمی، ۱۳۹۸)

نقض حقوق بشر: حقوق بشر، بنیادی ترین حقوقی است که هر انسانی بطور ذاتی، فطری و به صرف انسان بودن از آن بهره مند است. حقوق بشر در چند سال اخیر به ابزاری برای وارد کردن فشار از سوی کشورهای غربی به ایران تبدیل شده است. از جمله اقدامات امریکا در راستای راهبرد ایران هراسی، تاکید بر نقض آشکار حقوق بشر از جانب حکومت جمهوری اسلامی ایران است که معمولاً در گزارش‌های سالانه وزارت خارجه امریکا پیرامون حقوق بشر منتشر می‌شود. استفاده از حکم مجازات اعدام، بازداشت، شکنجه، سرکوب و محدود کردن توانایی شهروندان برای انتخاب مسالمت آمیز دولت خود از طریق انتخابات آزاد و عادلانه از موارد ادعایی است که در گزارش حقوق بشری وزارت خارجه امریکا به ایران نسبت داده شده است. در گزارش سال ۲۰۱۹ وزارت خارجه در ارتباط با ایران، حمایت و پشتیبانی ایران از حوثی‌های یمن و همچنین از دولت اسد در سوریه، از جمله مسائلی هستند که موجبات نقض حقوق بشر گردیده است.

کارشکنی در روند صلح خاورمیانه: مخالفت ایران با روند مذاکرات صلح در خاورمیانه باعث تداوم تیرگی و تنش بین ایران و غرب، بویژه امریکا شده است. حمایت از گروه‌های مبارز فلسطینی، مخالفت ایران با روند صلح خاورمیانه از طریق به رسمیت نشناختن مشروعیت حاکمیت اسرائیل در سرزمین‌های که قبل از تاسیس رژیم صهیونیستی تحت کنترل فلسطینی‌ها قرار داشته، همچنین مخالفت با تلاش‌های میانجی گرایانه امریکا در جهت امضای قرارداد صلح بین فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها، چگونگی کنترل قدس و وضعیت آینده مهاجرین فلسطینی، از جمله موارد جاری و مهم اختلاف بین امریکا و ایران هستند. از دیدگاه مقامات امریکا، استمرار این مخالفت باعث اخلاص احتمالی در این جریان شده است که آثار مخرب برای منافع امریکا در منطقه دارد. (ایران پور، ۱۳۸۳: ۷۴)

اهدافی که امریکا در خاورمیانه دنبال می‌کند، با مبانی و اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی در خاورمیانه تعارض دارد. ایران یک قدرت منطقه‌ای است و قدرت‌های منطقه‌ای یک کارکرد خاص دارند و آن ایجاد و حفظ نظم در نظام منطقه‌ای خودشان می‌باشد. جایگاه منطقه‌ای ایران تحت تاثیر قدرت و انگیزه‌های ایدئولوژیک شکل گرفته است. (پوستین چپی و متقی، ۱۳۹۳: ۱۷۳) بر این اساس، منافع آرمانی و ایدئولوژیک ایران، مخالفت با اسرائیل و روند صلح خاورمیانه در واقع مخالفت با مدیریت حل منازعه در منطقه توسط امریکا است.

همچنین، تلاش آمریکا در تثبیت و حفظ موقعیت اسرائیل، برای پیشبرد منافع ملی خود در خاورمیانه، تعارض و تضاد بین دو کشور را افزایش داده و تداوم بخشیده است. از اینرو، مقامات آمریکا همواره با بیان ایجاد اختلال و کارشکنی ایران در روند صلح خاورمیانه در مجامع بین‌المللی و افکار عمومی، سعی در ایجاد ائتلاف و همسوئی کشورهای دیگر، پیرامون مخالفت با آنچه سیاست‌های مخرب ایران می‌داند، داشته است.

۴- مخاطره در امنیت و صدور انرژی

امنیت انرژی به محور مفهوم منافع ملی و در عین حال به تهدیدی علیه آن تبدیل شده است. در برخی موارد، کاربرد نیروهای نظامی و تلاش برای تغییر رژیم‌های دارنده این منابع مورد توجه قرار گرفته است. برای دهه هاست که منطقه خاورمیانه و خلیج فارس مهمترین منابع استراتژیک تامین انرژی جهان را داراست. خاورمیانه برخوردار از این منابع حیاتی در اقتصاد و سیاست جهان، سالهاست به کانون رقابت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده است.

ایالات متحده پیرو سیاست‌های ایران هراسانه، سعی کرده ایران را تهدید جدی در تامین انرژی جهان معرفی کند. تهدید ایران که اگر آمریکا حرکت اشتباهی را انجام دهد، امنیت انتقال انرژی خلیج فارس به خطر خواهد افتاد سبب بروز نگرانی جدی در منطقه و جهان شده است. کنترل ایران بر تنگه هرمز، ایفای نقش مهم آنرا در تامین امنیت انرژی جهان در پی داشته است، زیرا بازار نفت به عبور آن از این تنگه وابسته است. ایالات متحده در پی ایجاد شبکه امنیتی بر محور مهار ایران و برقراری روابط دوجانبه و حمایت از رژیم‌های طرفدار آمریکا در منطقه، خواهان برقراری امنیت در صدور انرژی بر پایه منافع خود بوده است. (مظاهری، ۱۳۹۸: ۸۹-۹۰)

ایران جهت مقابله با سیاست ایران هراسی ایالات متحده در حوزه امنیت در تامین انرژی، سعی نموده بر تلاش‌های دیپلماتیک خود بیافزاید، برای نمونه رییس جمهوری در سفر خود به سازمان ملل جهت شرکت در اجلاس سالانه مجمع عمومی در سال ۱۳۹۸، طرحی را با عنوان «ابتکار صلح هرمز» پیشنهاد کرد تا زمینه ساز رفع نگرانی‌ها از جانب ایران را فراهم سازد. پر واضح است که آمریکا جهت همراهی کشورهای منطقه با خود و تحکیم حضور و نفوذ خود پیرامون مسائلی همانند امنیت در تامین انرژی، مقابله با ایران را با رویکرد ترس از ایران دنبال کرده است.

۵- اقدامات رژیم صهیونیستی جهت بقا در منطقه

اتحاد پیرامونی^۱: یکی از راهبردهای مهم اسرائیل در پیرامون سیاست خارجی، اتحاد پیرامونی است که بر مبنای آن، اسرائیل می‌باید روابط استراتژیک خود با کشورهای مسلمان غیرعرب در خاورمیانه را هرچه بیشتر گسترش دهد. این راهبرد توسط بن‌گوریون نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، بسط پیدا کرد و در رابطه با ترکیه و ایران قبل از انقلاب اسلامی و اتیوپی به جد دنبال شد. بر اساس این دکترین بود که از دهه ۱۹۵۰ ترکیه و ایران، اولین کشورهای مسلمانی بودند که روابط دیپلماتیک با اسرائیل را آغاز کردند؛ بگونه‌ای که اسرائیل به مدت طولانی از همکاری‌های گسترده نظامی و صنعتی با این کشورها بهره می‌برد. (Teller, ۲۰۱۴: ۱۰۰)

در چارچوب اتحاد پیرامونی، روابط قوی دوجانبه با کشورهای مهم غیرعرب، خطر پان عربیسم که حول موضوع فلسطین و اتحاد عربها شکل گرفته بود را خنثی می‌کرد. اسرائیل این راهبرد را در چهار دهه اول تأسیس خود، یعنی تا فروپاشی شوروی سابق بخوبی پیش برد و از منافع آن سود جست (Mohammad Azfar, ۲۰۱۷).

بازدارندگی: بازدارندگی درصدد جلوگیری از اقدام احتمالی دشمن و تهدید کردن دشمن به اقدام تلافی جویانه در قبال کشور مهاجم است. تهدید مقابله به مثل ضد مردم دولت رقیب یا زیرساخت‌های صنعتی آن صورت می‌گیرد. بازدارندگی تنها از طریق ایجاد مانع فیزیکی در مقابل اقدام نظامی موجب ایجاد و تأمین امنیت نمی‌شود، بلکه با تهدید به انجام واکنشی که برای کشور متخاصم بسیار پرهزینه است، باعث به وجود آمدن امنیت می‌شود. بازدارندگی تنها زمانی مؤثر خواهد بود که دولت تهدید شونده از توانایی اقدام تلافی جویانه و در عین حال قاطع برخوردار باشد و بتواند دشمن خود را قانع کند چنانچه مورد حمله قرار بگیرد، می‌تواند واکنش بسیار شدیدی از خود نشان دهد. اسرائیل همواره سعی کرده تا با تجهیز خود به سلاح‌های مدرن و ارتش گسترده و شعار شکست‌ناپذیری، خود را مصون از گزند دشمنان نشان دهد. همچنین، استحضار به سلاح اتمی را برای خود نوعی بازدارندگی می‌داند.

در سالهای اول انقلاب و جنگ عراق علیه ایران، رژیم اسرائیل تلاش بسیاری را بکار بست تا در قالب استراتژی اتحاد پیرامونی و اصل «دشمن دشمن ما، دوست ماست»، با جمهوری اسلامی ایران بعنوان یکی از کشورهای غیرعرب زبان، رابطه‌ای مسالمت‌آمیز برقرار کند؛

^۱. Alliance of the Periphery

همانگونه که موفق شده بود این رابطه را با حکومت محمدرضا پهلوی ایجاد کند. اسرائیل برغم اینکه رهبران انقلاب اسلامی، به روشنی اعلام کردند که اسرائیل را به رسمیت نشناخته و از حق فلسطینی ها برای بازپس گیری سرزمین خود حمایت خواهند کرد، امیدوار بود بتواند روابط گذشته را احیا کند. امیدواری اسرائیل از آنجا نشئت می گرفت که ایران هویتی بود که با زبان، تاریخ و مذهب متفاوت با سایر کشورهای عربی، تعریف می شد و از لحاظ تاریخی برخلاف عربها توانسته بود روابط مسالمت آمیزی را با اسرائیل برقرار کند. از اینرو تجربه ایران انقلابی و اسلامی برای اسرائیل همچنان مبهم می نمود؛ بگونه ای که این باور را برای آنها ایجاد کرده بود که گفتمان خصومت آمیز رهبران انقلاب علیه آنها که با رویدادهایی همچون بسته شدن سفارت اسرائیل و گشایش سفارت فلسطین و دعوت از یاسر عرفات همراه شد، رویدادهایی زودگذر و مبتنی بر هیجانات انقلابی بوده و باید برای بازگشت روابط به قبل از انقلاب و اتحاد در مقابل کشورهای عربی تلاش کرد. استراتژی کنونی اسرائیل، تداوم حضور فعالانه در منطقه است. (Ahmadi, 2020: 34-36)

گسترش روابط با کشورهای عربی و نیز کشورهای پیرامونی، نقطه کانونی این گام است. اسرائیل بر این امر واقف است که نزدیکی به عربستان که خود را رهبر کشورهای عربی خلیج فارس می داند، راه را برای تنش زدایی با سایر کشورهای منطقه، تسهیل می کند. دعوت چندین باره از پادشاه سعودی و نیز ولیعهد آن به اسرائیل، هرچند از نبود ادراک واقعی اسرائیلیها نسبت به افکار عمومی جهان عرب که همچنان یک مانع قابل توجه بر سر راه پذیرش صهیونیستها است، حکایت دارد، اما اراده محکم تل آویو برای برقراری این ارتباط را نشان می دهد. اسرائیل بروشنی از تمایل کشورهای عربی منطقه برای همکاری امنیتی و اقتصادی واقف است، ضمن اینکه از تنشهای سنی - شیعی منطقه و حساسیت عربها نسبت به گسترش نفوذ ایران، آگاه است و درصدی است حداکثر استفاده از این فضا را به نفع خود به پیش برد و از همین زاویه منافع خود را دنبال می کند. روابط کامل اقتصادی و امنیتی نه زیر میز بلکه روی میز با کشورهای به اصطلاح معتدل سنی، هدف نهایی اسرائیل در روابط خود با کشورهای عربی را نشان می دهد.

۶- معرفی ایران بعنوان تهدید مشترک علیه رژیم صهیونیستی و اعراب

اصل موازنه تهدید معتقد است هر اندازه تهدیدات خارجی شدیدتر باشد، به همان اندازه انگیزه اتحاد بیشتر می شود و نظام بلحاظ کارکردی از انسجام بیشتری برخوردار خواهد شد. بر این اساس، هرچه بتوان تهدید ایران را برای کشورهای منطقه برجسته تر کرد آن هنگام نزدیکی میان اسرائیل و کشورهای منطقه محتمل تر خواهد بود.

مواضع برخی از کشورهای عرب منطقه در قبال اسرائیل، طی دهه های گذشته بسیار متحول گشته است. کشورهای عرب منطقه در سالهای ابتدایی تشکیل اسرائیل، موجودیت آن را بر نمی تابیدند و تجربه ائتلاف جهت نابودی اسرائیل را دارند. اما در نهایت کشورهای مصر و اردن معاهدات صلح با اسرائیل امضا کردند، و امروزه بحرین و امارات از جمله کشورهای حوزه خلیج فارس هستند که اکنون با اسرائیل روابط گسترده و البته همه جانبه ای دارند. (Mekelberg & Shapland, 2019: 1) این کشورها اسرائیل را دشمن خود در منطقه می پنداشتند و تحت این محور سازمان‌هایی چون اتحادیه عرب و سازمان کنفرانس اسلامی را تاسیس کردند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، کشورهای محافظه کار عرب منطقه، احساس خطر دیگری را از جانب نظام جدید التاسیس ایران کردند که شعار صدور انقلاب از جمله اهدافش شمرده می شد. بحث صدور انقلاب و ارزشهای آن، مبحثی چالشی بوده و از جانب برخی دول منطقه، به دیده تهدید بدان نگریسته شده است. محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان، در مصاحبه خود با نیویورک تایمز ضمن اشاره به منفی بودن تحولات در منطقه که بواسطه وقوع انقلاب ایران رخ داده گفت: «پس از وقوع انقلاب در ایران حکومتی با عقاید افراطی و برای پیشبرد بنیادگرایی اسلامی در ایران روی کار آمد، که در نظر داشت این انقلاب و تفکرات خود را به سایر کشورهای منطقه صادر کند.»

از جانب دیگر، ایران انقلابی از ابتدا موجودیت اسرائیل را به رسمیت نشناخته و مخالف موجودیت آن بود. لذا اسرائیل و کشورهای محافظه کار عرب منطقه، برغم داشتن سیاست‌های خصمانه و دیرینه نسبت به یکدیگر، مخالفت با ایران را وجهه مشترک خود برشمردند و حول این محور سیاست‌ها و روابط خود را پایه‌ریزی کردند.

بررسی روابط منطقه‌ای اسرائیل: وقوع چهارجنگ گسترده میان اعراب و اسرائیل، هیچگونه توفیقی برای اعراب به دست نیاورد. شکست‌های پی در پی اعراب از اسرائیل، در مجموع منجر به کشانیده شدن اعراب به سمت روند مذاکره گردید، که محصول اولیه این طرح در دهه ۱۹۷۰، پیمان کمپ دیوید بود. (ایران پور، ۱۳۸۳: ۵۹-۶۰) از آن پس حمایت اعراب از آرمان فلسطینیان، کم‌کم وجه لفظی به خود گرفت و کشورهای عرب، زمانی که احساس کردند منافع آنها با آرمان فلسطین‌ها همسو نیست، اولویت را به منافع خود دادند. (Mekelberg & Shapland, 2019: 3) لذا اگر هم ابتکاری در جهت حل و فصل این مناقشه از جانب اعراب مطرح می‌گردد، حفظ موجودیت اسرائیل در آن فرض گرفته می‌شد.

طرح‌هایی مانند «ابتکار صلح اعراب»^۱ که از جانب ملک عبدالله ولیعهد عربستان در سال ۲۰۰۲ مطرح گردید، که در آن در ازای شکل‌گیری صلح جامع، و برقراری روابط عادی، اسرائیل با اجرای قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت سازمان ملل به اشغالگری منطقه کرانه باختری، از جمله بیت المقدس شرقی و نوار غزه پایان دهد، و تاسیس یک کشور فلسطینی با پایتختی بیت المقدس شرقی را بپذیرد. (MacLeod, 2009)

محقق نشدن چنین طرح‌ها و سیاست‌هایی، منجر به بازگشت اعراب به سیاست‌های خصمانه قبلی خود نسبت به اسرائیل نگشت، و روز به روز اعراب به سمت برقراری روابط با دشمن دیرینه خود گام برداشتند. امروزه شاهد به وجود آمدن روابط تدریجی کشورهای عربی خلیج فارس و اسرائیل هستیم. آشکارترین فعالیت کشورهای عربی جهت برقراری روابط با اسرائیل را شاهد هستیم که بحرین و امارات توافق ایجاد روابط دیپلماتیک را با اسرائیل امضاء کردند. این توافق که از نقاط برجسته دولت ترامپ در حوزه سیاست خارجی و سیاست‌های منطقه‌ای خود بود و بعنوان یک دستاورد معرفی شد موجب گشت شمار کشورهای عرب منطقه که با اسرائیل روابط عادی برقرار می‌کنند به عدد ۴ برسد. به صورت رسمی حجم این فعالیت‌های بی‌سابقه نشان‌دهنده عزم برخی کشورهای عرب منطقه و اسرائیل به برقراری روابط آشکارتر میان خود می‌باشد. نشانه‌های این رویکرد و پیش‌زمینه‌های برقراری روابط عادی با اسرائیل را در سال‌های اخیر شاهد بودیم؛ سفر بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل به برخی کشورهای عرب منطقه، از جمله عمان و دیدار وی با سلطان قابوس پادشاه اردن در اکتبر ۲۰۱۸ نمونه‌ای از آن بوده است. البته پیش‌تر در دهه ۹۰، اسحاق رابین و شیمون پرز نیز به مسقط سفر کرده بودند. اما این سفر علنی‌تر از موارد مشابه قبلی بود. (Kershner, 2018)

در رابطه با امارات متحده عربی باید گفت که این کشور در اواخر سال ۲۰۱۸ دو بار میزبان رئیس‌ستاد ارتش اسرائیل بود. همچنین امارات میزبان رسمی وزیر فرهنگ و ورزش اسرائیل بود، که در آن برای اولین بار در جهان عرب سرود ملی اسرائیل در یک ورزشگاه اماراتی نواخته شد. (MDeast News, 2019)

عربستان سعودی نیز نقش تعیین‌کننده در گسترش روابط با اسرائیل داشت. محمد بن سلمان ولیعهد عربستان، در اظهاراتی به مجله آتلانتیک گفت که اسرائیلی‌ها حق دارند کشوری برای خود داشته باشند. حتی قطر که از اصلی‌ترین حامیان حماس است، در پی نزدیک شدن

^۱. Arab Peace Initiative

به اسرائیل می‌باشد. (DW, 2018) روند روبرو حاکی از این است که می‌توان در آینده انتظار روابط گسترده تر و علنی تر میان اعراب و اسرائیل را داشت.

اقدامات آمریکا جهت نزدیک سازی اعراب و رژیم اسرائیل بر محور تهدید ایران:

واکنش دسته جمعی در مقابل تهدید دشمن مشترک از مبانی موازنه تهدید قلمداد می‌شود. بر این اساس، تلاش امریکا با سیاست ایران هراسی در راستای قرار دادن ایران بعنوان تهدید بازیگران منطقه (اعراب و اسرائیل) معنا پیدا می‌کند.

وجود اختلافات مذهبی، نژادی، قومیتی و فرهنگی میان ایران و بسیاری از کشورهای منطقه امری طبیعی است و الزاما این محورها دلیلی برای امنیتی شدن کنش های میان آنها نمی‌باشد و داشتن روابط حسنه و مسالمت آمیز با وجود این اختلافات امکان پذیر است. اما اختلافات سیاسی بین ایران و برخی کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس موجب گشته تا امریکا، متحد استراتژیک خود یعنی اسرائیل را بعنوان بازیگری همسو با منافع امنیتی منطقه ای آنان معرفی کند، و با تعریف خطر منطقه ای ایران برای همه طرف ها، آن را محور همگرایی و نزدیکی میان اعراب و اسرائیل بداند. اتحاد با اسرائیل نقش مهمی در سیاست خارجی آمریکا، نفوذ این کشور در خاورمیانه و نقش آن در مناقشه اعراب و اسرائیل دارد. (کاپوانی راد، ۱۳۹۶: ۴۶) طبعاً اسرائیل که بدنبال تحقق خواست دیرینه خود، یعنی مشروعیت منطقه ای بوده است از این سیاست استقبال می‌کند. اسرائیل و برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس، ایران را تهدیدی جدی برای موجودیت و امنیت خود می‌دانند.

ملک سلمان ، پادشاه عربستان در نشست دوره ای سران شورای همکاری خلیج فارس در دسامبر ۲۰۱۹، خواهان همکاری برای آنچه تهدید ایران می‌خواند شد.

کشورهای حاشیه خلیج فارس در پی وارد کردن اسرائیل به ساختار امنیتی منطقه هستند که در نهایت به تضعیف ایران و یکپارچگی بیشتر آنها علیه ایران منجر گردد. همچنین، بهبود روابط با اسرائیل، رضایت آمریکا را نیز برای این کشورها در پی خواهد داشت. اسرائیل قبلا اعلام کرده بود که به ائتلاف امنیت دریایی پیشنهادی آمریکا ملحق می‌شود. ائتلافی که به ادعای واشنگتن قصد دارد در زمان افزایش آنچه اقدامات بی ثبات کننده از سوی ایران خوانده می‌شود، حرکت آزادانه کشتی ها در خلیج فارس را تضمین کند. لذا، امریکا نشست های مشترکی بین بازیگران منطقه ای را ترتیب داده که نشانه ای از تقویت روابط بین اسرائیل و

کشورهای عربی بر مبنای دیدگاه مشترک آنها در مورد خطر ایران و تهدید آمیز بودن نفوذ منطقه‌ای این کشور بشمار می‌رود. (Independent, 2019)

از جمله اقدامات آمریکا در راستای نزدیکی اعراب و اسرائیل جهت مقابله با ایران و بومی کردن هر چه بیشتر مناسبات امنیتی علیه جمهوری اسلامی، برگزاری کنفرانس ورشو در لهستان بود. در روزهای ۱۳ و ۱۴ فوریه ۲۰۱۹ آمریکا کنفرانسی علیه ایران را در ورشو تشکیل داد که وزیر خارجه آمریکا هدف آن را صلح، ثبات و آزادی و امنیت در خاورمیانه دانست و تاکید کرد که حضور مقامات عالی‌رتبه کشورهای جهان و خاورمیانه در آن در راستای همکاری‌های مشترک و همگرایی در کمپین فشار حداکثری علیه ایران است. (Reuters, 2019)

در این کنفرانس که به ابتکار آمریکا برگزار شد، حضور فعال برخی مقامات عالی‌رتبه کشورهای عربی، به همراه هیات اسرائیلی علیه ایران را بخوبی به نمایش گذارد. در این جلسه که توسط دنیس راس دیپلمات آمریکایی اداره می‌شد، شاهد اظهاراتی همسو با آنچه تهدید ایران در منطقه خوانده می‌شود از جانب مقامات رسمی امارات، بحرین و عربستان بود. در گذشته اخباری مبنی بر روابط مقامات رژیم اسرائیل و کشورهای عربی منتشر شده بود، اما اهمیت این نشست در علنی بودن آن است. بدنبال کنفرانس ورشو، منامه پایتخت بحرین، در روزهای ۲۱ و ۲۲ اکتبر ۲۰۱۹، میزبان نشست مشترکی میان بحرین، لهستان و آمریکا بود که هیاتی از اسرائیل نیز در آن شرکت داشت. هدف اصلی این نشست عمدتاً مقابله با تهدید ایران در خلیج فارس عنوان شد.

امریکا بدنبال سیاست فشار حداکثری بر جمهوری اسلامی، در پی همگرایی حداکثری میان بازیگران منطقه‌ای می‌باشد. همچنین، این نزدیکی بین بازیگران عرب منطقه تحت محوریت «تهدید ایران» در نهایت می‌تواند به مشروعیت بزرگترین متحد استراتژیک آمریکا در خاورمیانه یعنی اسرائیل کمک کند. شاید بتوان گفت هیچ مقوله‌ای مانند بزرگ نمایی تهدید ایران برای این کشورها نمی‌توانست سیاست مشروعیت‌سازی اسرائیل را برای آمریکا به این شکل تسهیل سازد.

آنچه امروزه حائز کمال اهمیت است این نکته است که روند تساهل نسبت به اسرائیل از جانب برخی کشورهای منطقه به گسترش صلح و ثبات منطقه و حل منازعه پیرامون فلسطینیان و اسرائیل منجر نگردیده است. اسرائیل به هیچیک از قطعنامه‌ها و مقررات بین المللی جهت احقاق حقوق فلسطینیان پایبند نبوده است. اعلام بیت المقدس بعنوان پایتخت

اسرائیل، الحاق بلندی های جولان به اسرائیل و برنامه الحاق سرزمین های کرانه باختری رود اردن به خود، نمونه هایی از سیاست زیاده خواهی آن است که با حمایت قاطع امریکا صورت پذیرفته است. سیاست ایران هراسی امریکا صرف نظر از عایدات مالی ناشی از فروش تسلیحات به کشورهای منطقه، منجر به ضعف در برخورد و مواجهه با اینگونه اقدامات اسرائیل گردیده است. مسلم است که نزدیکی و عادی سازی روابط با اسرائیل جهت مقابله با ایران، همانند آنچه از جانب بحرین و امارات در عادی سازی روابط با اسرائیل شاهد بودیم، سیاستی است که ضمن صرف هزینه های تسلیحاتی بالا، منافع آنها را جهت امنیت خود تامین نخواهد کرد.

نتیجه گیری

در مقاله حاضر سعی کردیم با بیان سیاست منطقه ای امریکا در جهت همگرایی بازیگران منطقه ای، تحت محور آنچه تهدید ایران و اقدامات مخرب آن در منطقه قلمداد می کند و با استفاده از نظریه موازنه تهدید، در پی پاسخ به این مسئله مهم باشیم که پیگیری این سیاست دارای چه منفعتی برای متحد مهم آمریکا در منطقه، یعنی اسرائیل دارد. آنچه امریکا به این منظور پیگیری کرده و در طول سالیان گذشته به مورد اجرا گذارده، بزرگ نمایی خطر ایران برای صلح، ثبات و موجودیت همه بازیگران منطقه است. حتی ترور سردار شهید سلیمانی (فرمانده سپاه قدس ایران) در بغداد را در راستای همین سیاست ایران هراسی و جلوگیری از آنچه اقدامات مخرب ایران در منطقه و در راستای تامین ثبات و صلح بیشتر توجیه می کند.

وجود اختلافات دینی، مذهبی، قومی، زبانی و نژادی میان ایران و کشورهای منطقه کاملاً آشکار است. اما بهره گیری از این اختلافات و ایجاد حس بد بینی و تشدید احساس خطر، سیاستی است که از جانب قدرت هایی چون امریکا پیگیری شده است. از قبال تشدید این حس عدم امنیت از جانب ایران، ایالات متحده توانسته حضور و نفوذ خود را در کشورهای منطقه بالا برده و تحکیم سازد و به عادی سازی روابط کشورهای بحرین و امارات با اسرائیل نائل آید. درآمدهای ناشی از فروش تسلیحات نظامی به این کشورها، و انعقاد قرارداد هایی در این زمینه، منافع سرشار مالی برای امریکا به همراه داشته است.

اما آنچه از منظر پژوهش حاضر حائز کمال اهمیت است، این نکته است که امریکا با پیگیری سیاست ایران هراسی توانسته میان کشورهای عرب منطقه و اسرائیل نوعی همگرایی به وجود آورد و زمینه برقراری روابط میان آنها را فراهم سازد. برغم سیاست های خصمانه

کشورهای عرب منطقه نسبت به اسرائیل از بدو تاسیس آن و وقوع چهار جنگ میان آنها، حمایت از گروه های مقاومت فلسطینی و به وجود آمدن نهادهایی مانند سازمان کنفرانس اسلامی و اتحادیه عرب در راستای ایجاد سیاست های همسو علیه اسرائیل، امروزه شاهد آن هستیم که این کشورها به برقراری روابط خود با اسرائیل اقدام میکنند و در محافل گوناگون، پذیرای مقامات اسرائیلی هستند و در تمامی این نشست های مشترک، مقابله با آنچه تهدید و خطر ایران قلمداد می کنند، بعنوان محور اصلی مورد توجه قرار داده اند. این نشست های پیاپی زمینه برقراری روابط آنها را در زمینه های مختلف فراهم آورده و انتظار می رود این روابط در آینده ابعاد دیگری به خود گیرد. لذا، امریکا با پیگیری سیاست ایران هراسی سعی دارد زمینه مشروعیت سازی منطقه ای اسرائیل را فراهم آورد. درحالی که حضور مقامات اسرائیلی در کشورهای عرب و سیاست تساهل و عادی سازی روابط با آن منجر به دست اندازی بیشتر به سرزمین های اعراب گشته که نه تنها به حفظ ثبات و امنیت آنها منجر نگردیده، بلکه آنها را وادار به صرف هزینه های چشمگیر کرده است.

منابع و مأخذ

- ابوالحسن شیرازی، حبیب الله. (۱۳۹۴) «اناتومی مذاکرات هسته ای بین ایران و ایالات متحده برای دستیابی و تصویب قطعنامه ۲۲۳۱». فصلنامه مطالعات روابط بین الملل. دوره هشتم. شماره ۳۰.
- ایرنا. (۱۳۹۹). طرح ابتکار صلح هرمز. خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا). بازبینی شده در: <https://www.irna.ir/subject/83523912>
- ایزدی، پیروز. (۱۳۹۵) ایران هراسی در غرب، علل، اهداف و انگیزه ها. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- ایمان پور، عباس. (۱۳۸۳) «جایگاه روند صلح خاورمیانه در سیاست خارجی ایران و آمریکا». فصلنامه مطالعات خاورمیانه. سال سیزدهم شماره ۲. صص ۵۵-۷۶.
- پوستین چی، زهره. متقی، ابراهیم. (۱۳۹۳) ایران از نظر نخبگان نهادهای اجتماعی آمریکایی و ساختار سیاسی. تهران: گروه مطالعات و تحقیقات افق میزان.
- دارا، جلیل. بابایی، محمود. (۱۳۹۵) «شیعه هراسی و ایران هراسی، استراتژی ایالات متحده برای حفظ رژیم صهیونیستی». فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی. سال سیزدهم بهار ۹۵. شماره ۴۴. صص ۱۸۹-۲۰۸.
- سجادپور، سید محمد کاظم (۱۳۹۵). گفتمان فرهنگی برای احیای چهره ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

- جعفری، علی اکبر. (۱۳۹۲) «استراتژی "توازن تهدید" و امنیت کشورهای اسلامی در خاورمیانه». مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۲ (۷)، ۱۱-۳۴.
- رنجبر، مقصود (۱۳۷۸)، ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات رهبری، چاپ اول.
- زاده علی، مهدی. میر حسینی، فرشته. (۱۳۹۶) «ریشه های ایران هراسی در نگاه جهان عرب است». فصلنامه سیاست خارجی. سال سی و یکم شماره ۲. تابستان. ص. ۱۵۱-۱۸۲.
- ذوالفقاری، مهدی (۱۳۸۴)، «پیامدهای حضور ایالات متحده در منطقه». روزنامه رسالت، (۱۷ مارس ۲۰۰۵).
- محمدی، فاطمه. (۱۳۹۳) سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از نگاه نخبگان روشنفکر غربی. تهران: معاون مدیر تحقیقات و آموزش خبرگزاری فارس.
- مشرق نیوز (۱۳۹۸). «فروش اسلحه ترامپ با تهدیدات ایران». MASHREGHNEWS. شناسه خبر ۹۶۱۷۴۳. بازبینی شده در: ۵ ژوئن ۱۳۹۸.
- ندیمی، رامین. (۱۳۹۸) «سند بررسی دفاع موشکی آمریکا در سال ۲۰۱۹ و تأثیر آن بر اوضاع نظامی در منطقه غرب آسیا». موسسه مطالعات و تحقیقات بین المللی معاصر ابرار. ۲۹ ژوئیه ۲۰۱۷. برگرفته در: tisri.org/id=rg10yqri#-ftn12.
- قندق زندی، داود. یزدان فام، محمود. خسروی، غلامرضا پور سعید، فرزاد. (۱۳۸۹) سیاست خارجی ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات استراتژیک.
- کاویانی راد، مراد. قنبرلو، عبدالله. دلالت، مراد. (۱۳۹۶). «تأثیر رویکرد اقیانوس آرام ایالات متحده بر امنیت جنوب غربی آسیا. با تأکید بر امنیت ملی ایران». فصلنامه بین المللی ژئوپلیتیک. سال یازدهم، شماره اول، بهار. صص ۳۱-۷۲.
- لیتل، ریچارد. (۱۳۸۹). تحول در نظریه های موازنه قوا، ترجمه غلامعلی چگینی زاده. چاپ اول. تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
- مظاهری محمدمهدی. (۱۳۹۸). نقش و جایگاه ایران در سیستم امنیتی خلیج فارس. فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام. ۹ (۱): ۸۷-۱۰۹.

- Ahmadi. Vahideh. (2020). "The Islamic Republic of Iran and the Zionist Regime": Strategic Confrontation and Mutual Strategies. Quarterly Journal of Strategic Studies of Public Policy. Vol. 9. No. 33 .
- Allison, Tom. (2019). "Al – Hashd al shaabi and Hezbollah: Iran's Allies in Iraq and Lebanon". DW News. Available at: <https://www.dw.com/en/al-hashd-al-shaabi-and-hezbollah-irans-allies-in-iraq-and-lebanon/a-51078399>.
- Borger, Julian. (2017). "White House pressuring intelligence officials to find Iran in violation of nuclear deal". The Guardian. Retrieved April 16, 2018.
- Chemus, Ira. (2010). "Iranophobia: The Panic of Hegemons". Tikhan. Vol 15. Issue 6. Nov/ Dec.
- DW. (2018). "The United States has ratified a resolution condemning human rights abuses in Iran". Retrieved on: Dec 2018, 19.

- DW. (2018). "Crown Prince of Saudi Arabia: Israelis have the right to own their land". Reviewed in: May 2018, 3.
- DW. (2019). "US State Department criticizes human rights abuses in Iran". Reviewed at: <https://www.dw.com/en-ir/world/a-47904320>
- Euronews. (2018). "Tehran's reaction to Washington: Our missile test is not a violation of Security Council resolution". Euro News. Reviewed on: December 2018, 2.
- Independent. (2019). "Iran is a common enemy that brings old enemies closer together". Independent .Jun 16, 2019. Available at:
<https://www.independentpersian.com/node/15571/>
- Katzman, Kenneth. (2018). "Iran: Politics, Human Rights, and U.S. policy". Congressional Research Service. Available at: www.crs.gov/RL32048.
- Kershner, Isabel. (2018). "Israel: Prime Minister Visits Oman, offering a possible back channel to Iran". The New York Times. Oct 26, 2018. Available at: <https://www.nytimes.com/2018/10/26/world/middleeast/israel-oman-netanyahu-visit.html>.
- MacLeod, Scott. (2009). "Time to test the Arab Peace offer". Time. January 2009, 1.
- Mekelberg, Yoss & Shapland, Greg. (2019). "Israeli – Palestinian Peace making: The role of the Arab States. Chatham House". January 2019, Middle East and North Africa Programme .
- MDeastNews. (2019). "Arab countries' relations with Israel in 2019". Middle East News .Jan 19, 2019. Available at: <https://www.mdeast.news/2019/01/19/2019-Relationships>.
- Mohammad, Azfar. (2017). "Israel's changing periphery". 15 Jun. Available at: <https://foreignpolicynews.org/2017/06/15/israels-changing-periphery/>
- Reuters. (2019). "U.S to host Iran- focused global meeting in Poland" . Reuters .Feb 13-14. Available at: <https://www.reuters.com/article/us-iran-nuclear-usa-summit/us-to-host-iran-focused-global-meeting-in-poland-february-13-14-iduskcn1p5180>.
- U.S. Department of State. (2018). "Country Reports on Terrorism 2018". Available at: <https://www.state.gov/wp-content/uploads/2019/11/Country-Reports-on-Terrorism-2018-FINAL.pdf> .
- U.S. Department of State. (2019). "Time on Iran's Restrictions is Running Out". Annual Reports on Terrorism 2019. Available at: <https://www.state.gov/countries-areas/iran/>
- Walt, Stephen. M. (1998). "One world, many theories". Foreign Policy, No. 110 (1998): 29-46 .
- Walt, Stephen. M. (1987). Origins of Alliances Ithaca: Cornell University Press .
- Teller, Neville. (2014). The search for Détente: Israel and Palestine 2012-2014. London: Matador.